

شرف و قرب او و حرمت آنکه احد طرفی او قایم مقام آن
 دیگر میشود بر وجهی که چنان که ملائیت با نسبت یعنی اگر توفیق
 باشد و دیگری نصف و بجای نصف ضعف بکار آید و اگر یک
 رشته انضمام انضمام نیاید در رابطه تمام انضمام نیز در
 نیز که نسبت باشد چون ضعف نیز است که چهار باشد که
 چهارم است نمند و باغی که سه باشد تا لایف و مند و از
 هشت و سه بعدی ملایم حادث شود یا اگر میان ایشان
 اتفاق اولی نسبت و ملائیت ایشان از آن وجه است که
 چهار که نصف هشت است یا سه ملائیت دارد و اگر جانب
 سه همین اعتبار کنی و گوی سه نصف شش است و میان
 او و هشت ملائیت است همین مقصود حاصل شود و بر
 تقدیر راجع بعدی الاربع شود و اگر پنج را با سه است
 کنند ملایم آید و راجع با بعد صفار شود بنا بر آنکه میان
 پنج شش نسبتی ملایم است از ابعاد صفار و در تمام

کمال

شش است یا کو هم میان دو نیم و سه نسبت ابعاد
 صفار است و پنج قایم مقام دو نیم است و این صورتها
 اتمام متفق با اتفاق نامی گویند و از اینجا فطن صاحب بصیرت
 روشن شود که بعدی الخمس را بعد کثیر الاضفاف و بعد
 ربع راجع میوان دانست و بعدی الاربع بعدی الخمس
 چرا که در صورت اولی دور اقایم مقام چهار دانست راجع
 بعدی الاربع شود و اگر سه را قایم مقام شش کند راجع
 بعد کثیر الاضفاف شود و در صورت ثانی اگر سه را قایم مقام
 شش کند راجع بعدی الخمس شود و از شرف و اصالت
 بعدی الكل که تقاضی مثل بالفعل است آنکه مقسم
 به بعدین ادرستین میشود هم بواسطه نمودی و هم بواسطه
 تالیفی و مراد بواسطه عددی عددیست که متوسط باشد
 میان دو عدد و چنانچه نسبت او در قرب و بعد بطرفین
 علی السواء باشد و چون اربع متوسط میان شش و دو

Copyright © King Saud University